ای امیر مؤمنان، الله متعال به پیامبرش صلی الله علیه وسلم فرموده است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»: «عفو و گذشت (در پیش) بگیر و به کار نیک و پسندیده فرمان بده و از جاهلان روی بگردان». و این شخص نیز از جاهلان است.

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که می گوید: عیینه بن حصن - به مدینه - آمد و به خانه ی برادرزاده اش حر بن قیس رفت. حُر جزو افرادی بود که عمر رضی الله عنه آنها را به خود نزدیک می کرد (و گرامی می داشت)؛ قاریان قرآن چه پیر بودند یا جوان، همواره در مجلس عمر رضی الله عنه حضور داشتند و طرفِ مشورتش بودند. عیینه بن حصن به برادرزاده اش گفت: تو نزد این امیر، قدر و منزلت داری؛ از او بخواه که مرا به حضور بپذیرد. حر در این مورد اجازه خواست و عمر اجازه داد. هنگامی که عیینه وارد مجلس عمر رضی الله عنه شد، گفت: های، ای پسرِ خطاب! تو چیزِ زیادی به ما نمی دهی و در میان ما به عدالت حکم نمی کنی. پس عمر رضی الله عنه خشمگین شد و قصد تنبیه او را کرد. این بود که حر به عمر گفت: ای امیر مؤمنان، الله متعال به پیامبرش صلی الله علیه وسلم فرموده است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»: «عفو و گذشت (در پیش) بگیر و به کار نیک و پسندیده فرمان بده و از جاهلان روی بگردان». این شخص نیز از جاهلان است. (ابن عباس رضی الله عنهما می گوید:) به خدا سوگند هنگامی که حر این آیه را تلاوت نمود، عمر رضی الله عنه از کرده ی او گذشت؛ عمر رضی الله عنه در برابر کتاب خدا، بسیار مطیع بود.

[صحیح است] [به روایت بخاری]

صحابه ی بزرگوار عبدالله بن عباس رضی الله عنهما از آنچه برای امیر مومنان عمر بن خطاب رضی الله عنه روی داده خبر می دهد؛ آنجا که عیینة بن حصن رضی الله عنه که از بزرگان قومش بود نزد ایشان حاضر شده و سخنش را با تندی و انکار آغاز می کند؛ و در ادامه سرزنش کنان می گوید: تو چیز زیادی به ما نمی دهی و در بین ما عادلانه حکم نمی کنی؛ به این دلیل عمر رضی الله عنه چنان ناراحت می شود که نزدیک است او را بزند؛ اما یکی از قاریان یعنی برادرزاده ی عیینه، حر بن قیس برمی خیزد و خلیفه راشد را مخاطب قرار داده و می گوید: ای امیر مومنان، الله متعال به پیامبرش می فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»: «عفو و گذشت (در پیش) بگیر و به کار نیک و پسندیده فرمان بده و از جاهلان روی بگردان». و این شخص از همان جاهلان است؛ عمر با شنیدن این آیه توقف نموده و خشم خود را فرو خورده و کنترل می کند؛ چراکه در برابر کتاب الله تسلیم بوده و مطیع؛ بنابراین جلوی خود را می گیرد و آسیبی به آن شخص وارد نمی کند. و این به سبب آیه ای است که آن را می شنود. ادب صحابه رضی الله عنهم در برابر کتاب الله چنین بوده است، از حد و حدود آن تجاوز نمی کردند و چون به آنها گفته می شد الله متعال چنین می فرماید، در برابر آن تسلیم بوده و توقف می کردند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3155